دلیل عدم ذکر این فرع فقهی در کتب متاخر

در کتابهای متأخر فقهی که مطالب کلاسیک فقه منضبطتر شده این دیگر فراموش شده است. چرا؟ روشن است. وقتی بینه نشد، وقتی حجت نشد، فرقی ندارد؛ صفر است. امارهداری یا نداری؟! امارهای که حجت نیست را میخواهی داشته باش، میخواهی نداشته باش. ولی در کتابهای متقدم می بینی که این اختلاف مطرح بود. اگر شما امارهداری ولو معتبر نیست، اگر نیت ماه مبارک کردی، بین فقها قائل به مجزی بودن آن داریم. در خلاف گفتند «من غیر امارة»، این را کنار بگذاریم. خب خود شیخ عدول کردهاند. این طرفش مقصود اصلی من است. اگر امارهغیرمعتبر داری هم خلاف و هم مبسوط، میگویند حتی اگر نیت ماه مبارک بکنید، مجزی است.

شاگرد: اگر به استناد به آن خبر هم باشد، باز میگوییم غیرمعتبر است؟ یعنی ولو در خصوص صوم، معتبر شده است.

شاگرد۲: تعلیلی را که در مبسوط آوردهاند را دوباره بفرمایید.

استاد: «و إن صامه بنية رمضان بخبر واحد أو بأمارة»؛ البته «بان أنه من رمضان» هم دارد. این قید قبلی را دارد. «أجزأه أيضا لأنه يوم من رمضان»؛ یعنی «بان انه من رمضان»، آن هم که «بامارة» بود، پس در اینجا مشکلی نیست.

> 23:12

فتوای شیخ روشن است. در تهذیب و در کتابهای دیگرشان دارند. قبلاً صحبت شد. شیخ می فرمایند اول ماه با رؤیت ثابت میشود؛ خب با بینه ثابت میشود یا نه؟ با دو شاهد عادل ثابت میشود؟ فتوای شیخ این بود که ثابت نمیشود. اگر هوا صاف است دو تا فایده ندارد. بلکه باید به عدد قسامه باشد. فتوای شیخ به این صورت بود. فرمودند درصورتیکه غیم هست و از خارج بلد، دو بینه آمد، آن وقت است که کافی است. و الا اگر هوا صاف باشد کافی نیست. این فتوای شیخ است. یعنی حتی خود شیخ، بینه و شهادت عدلین را هم قبول ندارند. چه برسد به «امارة» که در اینجا میگویند؛ مثل مرآه باشد و ... . لذا روی مبنای خودشان بعید نیست وقتی هوا صاف است، شهادت دو عادل را هم بگویند امارة است. البته روی مبنای خودشان است، چون قبول ندارند. این هم نزد ایشان غیرمعتبر میشود.

شاگرد: با این توضیح اگر منجم باشد چه؟

استاد: در خلاف صریحاً گفتهاند اگر به منجم اعتماد بکند، مجزی نیست. این از چیزهای جالب خلاف بود که وقتی من خواندم دیدم دلیل ایشان شاملش هست اما در متن نبود. دلیل ایشان این بود که اجماع بر خلاف است، خب اگر در اجماع، «لم یفرقوا» است، همچنین اصحاب بین منجم و

غیرمنجم فرق نگذاشته اند. چرا؟ چون «صام یوما من شعبان». اما مسأله بیست و سوم این بود که «من رمضان» است. به نیت رمضان به قول منجم گرفته؛ در آن جا فرمودند مجزی نیست. چون به قول منجم نیت کرده است. اما «بان انه من شهر رمضان». ظاهر عبارتشان این بود که مجزی نیست. خب گفتند که اجماع هست، در اینکه روایات گفته بود «اجزأه و لم یفرقوا». لذا اگر بین منجم و غیر او فرق بود، جایش بود که در آن جا بگویند. اصحاب بر اجزاء اجماع کرده‌اند و بین اماره و غیر اماره فرق نگذاشته‌اند اما بین منجم و غیر او فرق گذاشته‌اند. اینکه «لم یفرقوا» گفته‌اند یعنی مطلق گفته‌اند. مگر اینکه بگویند «المنجم کاهن من صدّقه ...»؛ همان مطلبی که محقق و دیگران هم فرموده‌اند.

علی ای حال عبارت خلاف تنها مفهوم داشت. مفهوم عبارت خلاف می‌گفت که باطل است. شیخ صریحاً فرمودند که اگر اتکاء به قول منجم کرد، ولو بان انه من شهر رمضان مجزی نیست. فرمودند نه، دون آن است. این را از مفهومش استفاده کردیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:06:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:07:39 توسط ... .